

دو فصلنامه قرآن در آینه پژوهش

سال اول، شماره دوم

پاییز و زمستان ۹۳

صفحات ۱۵۹-۱۳۱

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

سیدضیاءالدین علیانسیب^۱

لیلا امیری^۲

چکیده

نوشتار حاضر با توجه به شبهات مطرح در خصوص جاودانگی قرآن و در پاسخ به ادعای محدود بودن پیام قرآن به زمان یا مکان خاصی نگارش یافته است. چنین مسأله‌ای از جوانب مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، لکن این مقال درصدد تبیین دیدگاه علمی و استدلال‌های علامه طباطبایی و راه‌گشایی اندیشه‌های او در خصوص فرامکانی و فرازمانی بودن پیام قرآن، و در پاسخ به این سوال است که؛ گستره‌ی شمول و عمومیت زمانی و مکانی پیام قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی چقدر است؟ بر این اساس، این مقال، دلایل جاودانگی قرآن را از دیدگاه علامه طباطبایی به روش اسنادی و رویکرد قرآنی تبیین کرده است. علامه طباطبایی، با استناد به آیات قرآن در سه دسته - که دسته اول با عنوان آیات جاودانگی قرآن؛ شامل آیات حفظ، عزت، تحدی، تدبر و تبیان، دسته دوم با عنوان آیات جاودانگی دعوت؛ مشتمل بر آیات انذار، هدایت، تذکر و شمولیت خطاب‌های قرآنی، و دسته سوم با عنوان جاودانگی

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۲ olyanasab_s@yahoo.com، iran134512@yahoo.com، ۰۹۱۴۴۰۵۱۰۳۸

^۲ سطح سه علوم قرآنی مرکز تخصصی الزهراء تبریز.

دلائل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۲

رسالت پیامبر؛ شامل آیات بعثت و اظهار دین اسلام بر سایر ادیان- بر جاودانگی قرآن کریم استدلال کرده است. علامه طباطبایی با نقل روایات در پنج دسته؛ شامل نو بودن قرآن در هر زمان، روایات جری و تطبیق، حدیث تقلین، روایات هادی بودن قرآن و روایات بطن، بر جاودانگی قرآن استدلال کرده و بدین نتیجه رسیده که پیام‌های قرآنی برای همه جهانیان در همه مکان‌ها جاودان و شامل است.

کلیدواژه‌ها: جاودانگی قرآن، تحدی، خطاب‌های قرآن، جری و تطبیق، جهان‌شمولی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علامه طباطبایی، قلمرو زمانی قرآن؛

طرح مسأله

مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی به عنوان متفکر دینی، بزرگ‌ترین مشغله فکری خود را تفسیر و تبیین قرآن قرار داده و در این خصوص آرای عمیق، دقیق و نوینی ارائه داده‌اند، یکی از آن مسائل، مسأله جاودانگی قرآن است.

از این رو، نوشتار حاضر با عنوان «جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی» بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل، آرای علامه را در این زمینه بیان کرده و بر طبق نظرات ایشان به این سؤال پاسخ داده است که گستره شمول و عمومیت زمانی و مکانی پیام قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی چقدر است؟ فرض بر این است که خود قرآن کریم و روایات معصومان در آیات متعددی به این مهم پرداخته و علامه طباطبایی نیز در ذیل آیات فوق، جاودانگی قرآن را مورد کنکاش قرار داده است.

این بحث از جهات متعددی اهمیت فراوان دارد؛ از یک سو علامه طباطبایی برجسته‌ترین و اثرگذارترین مفسر شیعی معاصر بوده که مبانی تفسیری وی، راه‌گشا برای مباحث مبنایی تفسیر قرآن است؛ و از سوی دیگر، وی بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز اندیشه اسلامی در روزگار ماست و آرای ابتکاری او، الهام بخش اندیشمندان اسلامی

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۳

در زمینه‌های مختلف معرفت دینی برای خلق ایده‌های جدید، و گره‌گشای بسیاری از مشکلات و معضلات فکری و عملی جامعه اسلامی می‌باشد. از جمله شبهات مطرح در هجده به اسلام از سوی مخالفان و افکار التقاطی، گستره زمانی پیام قرآن کریم است. سروش می‌نویسد: «اگر رسول اکرم(ص) عمری بیش از این داشتند و با حوادث و جریان‌های زیادتری مواجه می‌شدند قرآن از این حجم فعلی بیشتر می‌شد و آیات و سوره‌های آن زیادتر می‌گردید و بنابراین، دین و کتاب آسمانی آن از این کاملتر می‌شد.» (سروش، ۱۳۷۶ ش، شماره ۳۹)

این مبحث در زمان‌های گذشته به صورت مستقل مورد توجه چندانی نبود، بلکه برخی از مفسران در ذیل آیاتی از قرآن، توجه کوتاهی به این بحث داشته‌اند، اما در دوره معاصر در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی از جمله؛ کتاب «دلایل جاودانگی قرآن» اثر سیدضیاءالدین علیانسیب و فیروز اصلانی و کتاب «راز جاودانگی قرآن»، از علی نصیری تدوین شده است؛ ولی در هیچ‌کدام از دو اثر یاد شده، نظرات علامه طباطبایی در رابطه با جاودانگی قرآن، به صورت منسجم تبیین نشده است، از این رو، نوشتار پیش رو در نظر دارد دیدگاه علامه طباطبایی را به صورت اختصاصی مورد پژوهش قرار دهد.

مفهوم شناسی

وقتی از جاودانگی قرآن سخن می‌رود، طبعاً در ابتدا باید روشن شود؛ منظور علامه طباطبایی از جاودانگی قرآن چیست؟

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِنُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» می‌گوید: اگرچه از ظاهر عبارت «لِنُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» برمی‌آید که خطابش به مشرکان مکه و یا عموم قریش و یا جمیع عرب است، الا این که مقابله بین «کم» و بین «مَنْ بَلَغَ» البته با حفظ این جهت که مراد از «مَنْ بَلَغَ» کسانی باشند که مطالب را از خود پیغمبر نشنیده‌اند، چه معاصران و چه مردمی که بعد از عصر آن جناب به وجود می‌آیند- دلالت دارد بر این که مقصود از ضمیر خطاب «کم» در جمله «لِنُنذِرَكُمْ بِهِ»، کسانی هستند که

دلائل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۴

پیغمبر اکرم (ص) ایشان را پیش از نزول آیه یا مقارن یا پس از نزول، انذار می فرمود. پس اینکه فرمود: « وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ » بر این هم دلالت دارد که رسالت آن حضرت عمومی و قرآنش ابدی و جهانی است، و از نظر دعوت به اسلام، هیچ فرقی بین کسانی که قرآن را از خود او می شنوند و بین کسانی که از غیر او می شنوند نیست، و به عبارت دیگر آیه شریفه، دلالت می کند بر این که قرآن کریم حجت ناطقی است از ناحیه خدا و کتابی است که از روز نزولش تا قیام قیامت به نفع حق و علیه باطل، احتجاج می کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۷: ۳۹)

دلائل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه

با نگاهی به آثار علامه، می توان دریافت که ایشان دلایل جاودانگی قرآن را در دو حیطة آیات و روایات تقسیم کرده اند. در ابتدا به دلایل قرآنی و سپس به دلایل روایی می پردازیم:

الف) دلایل قرآنی

آیات دلالت کننده بر جاودانگی قرآن، در یک دسته بندی کلی، در سه گروه جای می گیرد؛ دسته اول، آیات جاودانگی قرآن، دسته دوم، آیات جاودانگی دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دسته سوم، آیات جاودانگی رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نامگذاری شده اند، هر چند علامه خود این تقسیم بندی را بیان نفرموده اند، ولی جهت تبیین مطلب از این دسته بندی استفاده می شود:

دسته اول: آیات جاودانگی قرآن

قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و به عنوان حجتی بر تمام زمان هاست و محدودیت زمانی ندارد. برخی از آیات قرآن، حاکی از جاودانگی قرآن است از جمله:

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۵

۱. آیه حفظ

آیه حفظ به دنبال بهانه جویی‌های کفار و استهزای آن‌ها بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن، به عنوان دلداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اطمینان خاطر مؤمنان نازل شده است:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ ما قرآن را خود نازل کرده‌ایم و خود نگهبانش هستیم». (حجر/۹) این آیه بر حفظ و بقای قرآن به صورت مطلق از طرف خدا و تضمین عدم تحریف آن دلالت می‌کند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه حفظ، از تعبیر «لحافظون»، صیانت قرآن در آینده را استفاده می‌کند؛ زیرا در ادبیات عرب، صفت (اسم فاعل) برای دلالت در حال و آینده به کار می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲: ۱۰۲) چنان‌که می‌نویسد: «مراد از وصف "لحافظون" حفظ در آینده است، چون اسم فاعل ظهور در آینده دارد.» (همان)

از دیدگاه علامه طباطبایی، جامع‌ترین صفتی که قرآن برای خود به کار برده، «ذکر خدا» می‌باشد؛ خدای متعال، از قرآن به «ذکر» یاد کرده که هنگام نزول و در آینده، تغییر و تحریفی که سبب از بین رفتن ذکر بودن قرآن می‌شود در آن راه نخواهد داشت و این نشان جاودانگی قرآن است. ایشان می‌فرمایند: «أَنَّ الْآيَةَ بِقَرِينَةِ السِّيَاقِ إِنَّمَا تَدُلُّ عَلَى حِفْظِ الذِّكْرِ الَّذِي هُوَ الْقُرْآنَ بَعْدَ إِنْزَالِهِ إِلَى الْأَبَدِ». (همان)

قابل دقت است که در این آیه، به جای استفاده از ضمیر مفرد متکلم، ضمیر متکلم مع الغیر به کار رفته است؛ یعنی به جای جمله «إِنِّي نَزَّلْتُ الذِّكْرَ وَإِنِّي لَهُ لَحَافِظٌ» از ضمائر و ترکیب جمع استفاده شده و این روش قرآن است که هر جا مطلب با اهمیت باشد و مدبران امور، طبق دستور خدا دست‌اندرکاران باشند، ضمیر جمع به کار رفته است. در چنین مواردی، خدا می‌خواهد اعلام کند که من و تمام فرشتگان، کروبیان و مدبران عالم در تحقق این امر، دخالت داریم. این امر نشان دهنده عظمت و اهمیت آن است که به طور غیر مستقیم بر جاودانگی قرآن دلالت دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۹)

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۶

۲. آیه نفی باطل

آیه نفی باطل، دلالت می‌کند بر این مورد که هیچ باطلی در قرآن راه ندارد، خواه زیادی یا نقص در قرآن باشد. این کتابی جاودانه است و هیچ گاه کهنگی بر آن عارض نمی‌شود.

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ کسانی که به این قرآن- چون بدیشان رسید کفر ورزیدند [به کیفر خود می‌رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند است. از پیشروی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید و وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده». (فصلت/۴۴ و ۴۲)

این آیه، الحاد و انکار حق را به تصویر کشیده است، الحاد به قرآن، همان کفر به آیات است؛ با هدف ابطال حقایق قرآنی که در هر عصر و زمانی، قالب و مصداقی خاص می‌یابد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۷: ۶۰۳)

زمخشری می‌گوید: «مراد از ذکر، قرآن است؛ چرا که کافران به جهت کفرشان، طعن در قرآن نموده و درصدد تحریف تأویل قرآنند در حالی که قرآن، کتاب نفوذ ناپذیری است و با حمایت الهی، پشتیبانی می‌شود و باطل از هیچ طریقی به آن راه نمی‌یابد». (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴: ۲۰۲)

علامه طباطبایی بر طبق این آیه معتقد است؛ «از هیچ سو بطلان و فساد به سراغ این کتاب بزرگ نیامده و نخواهد آمد، تناقضی در مفاهیم آن نمی‌باشد، نه چیزی از کتب و علوم پیشین بر ضد آن است و نه دستخوش تغییر می‌شود». سپس ایشان می‌فرمایند: جمله «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» اشاره دارد که نفوذ باطل تا زمان قیامت، به همه اجزای قرآن یا برخی از اجزای آن محال است. (طباطبایی، همان: ج ۱۷: ۶۰۳)

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۷

۳. آیات تحدی

نکاتی که علامه در باب تحدی عام قرآن و نیز تحدی آن به علم و معرفت بیان کرده، دلالت بر جاودانگی قرآن دارد؛ وی ذیل آیه ۲۳ سوره بقره، مبحثی را با عنوان «اعجاز القرآن» می‌گشاید که قرآن در آیات مختلفی به اعجازش تحدی کرده است؛ آن چنان که همه آن‌ها به گونه‌ای، استدلال بر معجزه بودن آن محسوب می‌شوند، وی در ادامه می‌گوید: «عام‌ترین مراتب تحدی مربوط به آیه ۸۸ سوره اسراء است؛ چه، در این آیه، هم همگان اعم از جن و انس را به همانندآوری فرا خوانده، و هم علاوه بر بلاغت بیانی و جزالت در اسلوب، به هر خصوصیت و صفت ویژه‌ای که قرآن در بردارد، اعم از معارف حقیقی، اخلاق فاضله، احکام و قوانین، خبرهای غیبی، و علوم و معارف نامکشوف و غیر آن، تحدی نموده است». (همان)

عمومیت تحدی نسبت به جن و انس، در صورتی معنا دارد که دایره‌اش تمام اوصاف و ویژگی‌ها و زمینه‌هایی را که امکان تفاضل و سبقت‌جویی در آن‌ها وجود دارد، در برگیرد. بر این اساس، قرآن برای فرد بلیغ و سخنور در بلاغت، برای حکیم در حکمتش، برای عالم در علمش، برای عالم علوم اجتماعی در تخصص ویژه‌اش، برای قانون‌گذاران و حقوق‌دانان در قانون‌گذاری، برای اهل سیاست در سیاستشان، برای حاکمان و والیان در حکومتشان، و برای تمام جهانیان در آنچه به صورت همگانی بدان دست نمی‌توانند یافت، مانند غیب، اختلاف در حکم و علم و بیان، معجزه است و کسی مانند آن را نمی‌تواند بیاورد. پس، قرآن مدعی عمومیت اعجاز خود از تمام جهات می‌باشد. (طباطبایی، همان: ج ۱۲: ۱۵۳، ج ۱: ۹۲، ج ۱۳: ۲۷۹)

به نظر علامه، هر آنچه را که آحاد یا مجموعه افراد انسان یا جن بتوانند در آن امکان فضل و برتری یابند، مشمول عمومیت تحدی در آیه ۸۸ اسراء می‌گردد. این سخن، بدان معناست که قرآن در تمام زمینه‌های جدی معرفتی که بشر با آن درگیر است، مطالبی دارد که فوق همانندآوری است. پس، تحدی عام آن اثبات‌کننده اعجازش در تمام جهات

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۸

یاد شده است. بنابراین، لازمه عمومیت این هم‌اوردطلبی قرآن، اشتمال آن بر همه زمینه‌های معرفتی و مهارتی بشر، و به عبارت دیگر جاودانگی آن است.

تحدی و مبارزه طلبی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای عموم افراد بشر از میان معجزاتش، تنها به وسیله قرآن انجام یافته و جز این هم نمی‌تواند باشد؛ چرا که نبوت جاودان و جهانی، معجزه جاودان و جهانی می‌طلبد و چنین اعجازی منحصر به قرآن بوده و سایر معجزات، جاودانی و جهانی نیستند.

۴. آیات تدبیر

چهارمین دسته از مستندات قرآنی علامه طباطبایی بر جاودانگی قرآن، آیه زیر است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند». (نساء / ۸۲).

از نظر علامه، این آیه، نتایج مهمی را روشن می‌کند: نخست این‌که، انسان با فهم عادی و معمولی، قرآن را درک می‌کند. دوم اینکه برخی از آیات، آیات دیگر را تفسیر می‌کند. سوم این‌که، قرآن نسخ‌پذیر است، ولی ابطال نمی‌پذیرد و تکمیل و تهذیب در آن راه ندارد؛ چون قرآن اختلاف نمی‌پذیرد؛ تغییر و تحول در آن راه ندارد و لازمه این سخن آن است که محتوای قرآن؛ یعنی شریعت اسلامی تا روز قیامت مستمر و جاودان می‌باشد. (طباطبایی، همان: ج ۵: ۲۰)

۵. آیه‌ی تبیان

قرآن، متضمن کلیات زندگی انسان است و هر آن‌چه بشر در هدایت و زندگی سعادت‌مندانانه بدان نیاز دارد، در قرآن وجود دارد که به آیه تبیان معروف می‌باشد:

«وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ و این

کتاب را که روشن‌گر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم». (نحل / ۸۹)

دلائل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۹

علامه طباطبایی با تأکید بر جامعیت قرآن در هدایت بشر و زندگی سعادت‌مندانه، یکی از دلایل جاودانگی قرآن را داشتن همین خصوصیت معرفی کرده، می‌گوید: «قرآن خود را متضمن کلیات زندگی انسان از حیث فردی و اجتماعی می‌داند. ارکان زندگی بشر عبارت است از: هدف، راه، برنامه. قرآن کریم حاوی برنامه‌ای مطابق با ارکان زندگی انسان است به گونه‌ای که هیچ یک از نیازهای وجود انسان در آن الغا نشده، و مشتمل بر جهان بینی و اصول عملی کاملی می‌باشد و هرگاه قرآن حاوی سخن کامل و تام در باب جهان بینی و اصول عملی باشد قطعاً مقید به زمان خاصی نیست و همیشگی خواهد بود.» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۶-۳)

دسته دوم: آیات جاودانگی دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

دسته‌ای از آیات، دعوت قرآن را نه برای یک دوره خاص، بلکه ابدی و جاودانی می‌داند، این آیات، با تعبیر گوناگون بر جاودانگی دعوت دلالت می‌کنند. (علیانسب، ۱۳۹۱: ۶۴)

۱. آیات انذار

قرآن، بیانگر دستورات الهی بوده و امرکننده به خوبی‌ها و بازدارنده از منکرات و زشتی‌هاست، که در آن، حدود الهی تعیین شده و سنت‌ها معین گردیده است. قرآن، رسالت خود را در میان مردم، از طریق پند، انذار و بازگویی حوادث گذشته و عبرت-آموز، ایفا می‌نماید؛ به همین خاطر، در آیه زیر به هدف نزول قرآن کریم توجه کرده و می‌فرماید: «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ؛ و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم. آیا واقعاً شما گواهی می‌دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است.» (انعام/ ۱۹)

این آیه، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انذار مطلق انسان‌هایی می‌داند که کلام الهی به آن‌ها می‌رسد، و یکی از متقن‌ترین دلایل جاودانگی قرآن است؛ به گونه‌ای که اکثر مفسران بر این موضوع تأکید دارند. زمخشری از سعید بن جبیر نقل می‌کند: «مَن بَلَغَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا رَأَى النَّبِيَّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) ... قِيلَ مَن بَلَغَهُ الْقُرْآنَ إِلَى

۱۰ دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

یوم القیامه». (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۱ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۴۳۶، فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۱۲ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۷)

علامه مجلسی می‌گوید: «وَ التَّقْدِیرِ لِأَنْذَرِ بِهِ مَنْ بَلَغَهُ الْقُرْآنَ مِنْ أَهْلِ كُلِّ لِسَانٍ» تقدیرش این است که قرآن به هر کسی از هر زبانی برسد، مراد است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۱۳۱)

ابن عاشور گوید: «کسی که قرآن به او برسد گویی محمد (صلی الله علیه و آله) را ملاقات کرده است. این آیه، تمام کسانی را که قرآن در همه عصرها بدان‌ها می‌رسد در بر می‌گیرد» (ابن عاشور، بی تا، ج ۶: ۴۷)

این آیه از نظر علامه طباطبایی، بر جهانی و جاودانگی قرآن دلالت دارد. از بررسی سخنان ایشان روشن می‌شود که کوتاه‌ترین، رساترین و جامع‌ترین دلیل قرآنی بر جاودانگی وحی، این آیه می‌باشد. قرآن وسیله بیم دادن است؛ یعنی کسانی که مورد خطاب مستقیم آن هستند و نیز کسانی که مورد خطاب مستقیم (مشافهه) نمی‌باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۹)

«وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ»، بر این هم دلالت دارد که رسالت آن حضرت، عمومی و قرآنش ابدی و جهانی است، و از نظر دعوت به اسلام، هیچ فرقی بین کسانی که قرآن را از خود او می‌شنوند و بین کسانی که از غیر او می‌شنوند نیست. (همان)

حاصل آن که، قرآن، بیم‌دهنده برای جهانیان بوده، و وصف اندازگری، محدود به مقطع خاصی از زمان نبوده، بلکه تداوم و استمرار داشته و ابدی است و این امر بر جاودانگی قرآن دلالت می‌کند.

۲. آیات هدایت

مقصد نهایی از خلقت، اظهار رحمت و گسترش لطف و احسان و هدایت مردم به سوی ارتباط با غیب و لقای پروردگار متعال است. خدا برای تحقق این هدف،

دلائل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۱

پیامبران و کتاب آسمانی قرآن را فرستاده، که در تعدادی از آیاتش خود را هدایتگر معرفی کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۵۳)

اینک آیات حاکی از جنبه هدایت‌گری قرآن، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ این گونه، خدا آیات خود را برای

مردم بیان می‌کند، باشد که پروا پیشه کنند». (بقره/ ۱۸۷)

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ؛

ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرود فرستاده شد، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلائل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است». (بقره/ ۱۸)

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ کتابی است که آن را

به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری». (ابراهیم/ ۱)

علامه، از ظاهر سیاق جمله «لَتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» این نکته را به

دست می‌آورد که منظور از «ناس» فقط مومنان و قوم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه عموم مردم منظور بوده، چون در ظاهر لفظ آیه، هیچ دلیلی بر این تفسیر وجود ندارد و کلام خدا در آیاتی دیگر، صراحت بر عمومی بودن رسالت دارد.

ایشان در ادامه می‌افزایند: «آیات صریحی که مربوط به دعوت یهود و سایر اهل

کتاب می‌باشد، و هم‌چنین عمل خود آن حضرت که همه اقوام و ملت‌ها را دعوت می‌کرد، مؤید عمومی بودن رسالت آن حضرت است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۶)

بر این اساس، عمومیت دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مخاطب قرار گرفتن

«ناس» در قرآن، بر جاودانگی کتاب آن حضرت دلالت دارد.

۳. آیات تذکر بودن قرآن بر جهانیان

دسته دیگری از آیات که از نظر علامه طباطبائی، بر جاودانگی قرآن و رسالت

پیامبر (صلی الله علیه و آله) دلالت دارد آیات تذکر است، این آیات عبارتند از:

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۲

«قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ بگو: من، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی‌طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست». (انعام / ۹۰)

«وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ و تو بر این [کار] پاداشی از آنان نمی‌خواهی. آن [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست». (یوسف / ۱۰۴)

«العالمین» جمع محلی به الف و لام است که بر عمومیت دلالت دارد، علامه طباطبایی نیز این آیه را یکی از ادله عمومیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌داند. پس اگر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) عمومی و جاودانه است، معجزه ایشان هم - که قرآن است - جاویدان خواهد بود. طبق نظر ایشان، منظور از «ذکر»، قرآن می‌باشد و مقصود خدا این است که قرآن از کالاهایی نیست که به وسیله آن مالی به دست آورند یا به مقامی برسند، بلکه قرآن تنها وسیله‌ای برای تذکر است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۷۵)

۴. آیات شمول خطاب‌های قرآنی

قرآن، در خطاب‌های خود، مستقیماً همه مردم قرون و اعصار آینده را مخاطب ساخته، مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»، (نساء / ۱۷۴) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (بقره، ۲۱) واژه ناس می‌تواند در همه زمان‌ها مصداق داشته باشد.

با دقت در بیانات علامه در ذیل این آیات، می‌توان فهمید که دعوت قرآن، عمومی و جاودانه بوده؛ چرا که قرآن در بسیاری از آیات خود، عنوان کفار، مشرکان، اهل کتاب، یهود، بنی‌اسرائیل و نصاری را خطاب نموده و با هر طائفه‌ای از این طوائف، به احتجاج پرداخته و آنان را به سوی معارف حقه خود دعوت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۲۰)

از جمله آیات دیگری که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد این آیه است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی، و درمانی برای آنچه در سینه است، و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است». (یونس: ۵۷)

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۳

از نظر علامه طباطبایی، با این که آیه شریف در سیاق گفتگو با مشرکان می باشد، ولی فقط آن ها را مورد خطاب قرار نداده، بلکه همه مردم را مورد خطاب قرار می دهد و این مطلب از تعبیر «الناس» استفاده می شود، این خود دلیل بر این بوده، که صفات چهارگانه قرآن اعم از موعظه، شفاء ما فی الصدور، هدایت و رحمت؛ مربوط به عموم مردم است، نه طائفه خاصی از مردم. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱۸)

در نتیجه، از عمومات الفاظ و تکالیف قرآنی به دست می آید؛ دعوت قرآن کریم برای یک عصر و زمان مخصوصی نبوده، بلکه شامل همگان، همیشگی و جاودانه است.

دسته سوم: جاودانگی رسالت پیامبر (ص)

از نظر علامه، گروه دیگری از آیات بر جاودانگی قرآن دلالت دارد که به طور مستقیم بر جاودانگی رسالت پیامبر دلالت می کند و به دلالت التزامی بر جاودانگی قرآن دلالت می کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۷۷) از جمله:

۱- رحمت بودن بر جهانیان

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم»

(انبیاء، ۱۰۷).

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ؛ بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که

فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن اوست». (اعراف، ۱۵۸)

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا؛ بزرگ [وخجسته]

است کسی که بر بنده خود، فرقان [جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای

جهانیان هشداردهنده ای باشد». (فرقان، ۱)

علامه طباطبایی در مقام استدلال به جاودانگی قرآن، در این آیه می گوید: «لام»

در جمله «لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» لام تعلیل است و می رساند که هدف از تنزیل فرقان بر

عبدش این است که بیم دهنده ی جمیع عالم از انس و جن باشد، چون کلمه «جمیع» در

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۴

صورتی که الف و لام بر سرش درآمده باشد، استغراق و کلیت را می‌رساند» (طباطبایی، همان، ج ۱۵: ۲۳۸)

۲- آیه بعثت

از جمله آیاتی که علامه آن را از دلایل جاودانگی قرآن می‌داند، آیه بعثت می‌باشد. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ اوست آن کس که در میان بی‌سوادان، رسولی از خودشان برانگیخت، تا آیات را برآنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند». (جمعه / آیات ۳ و ۲)

علامه، در تفسیر این آیه پس از بیان و نقد وجوه متعدد در معنا و مصداق «أُمِّيِّين» می‌گوید:

ممکن است از آیه شریف این معنا به ذهن کسی خطور کند، که مبعوث شدن رسول خدا(ص) در بین مردم امی، و امی بودن خود آن جناب منافات دارد با اینکه آن جناب مبعوث بر آنان و بر عموم بشر باشد، لذا برای دفع این توهم می‌گوییم: خیر، هیچ منافاتی ندارد، که آن جناب در بین امی‌ها مبعوث شده باشد، و آیات خدا را به آنان تعلیم داده، تزکیه‌شان کند، و کتاب به آن‌ها بیاموزد، و کتابش هم به لغت آنان باشد، و در عین حال مبعوث به همه جهانیان باشد، برای اینکه همه آنچه که گفته شد مربوط به مرحله اول دعوت است، و به همین جهت در همان اوایل دعوت، تعرض سایر ملل و سایر اقطار عالم نشد، همین که دعوتش مستقر گردید، و تا حدی حکومت اسلامی پایدار شد، آن وقت به دعوت یهود و نصاری و مجوس، و نامه‌نگاری به سران کشورهای آن روز، شروع کرد. (طباطبایی، همان، ج ۱۹: ۲۶۵)

خدا در میان قومی امی، رسولی از خود آنان مبعوث کرد تا آیات او را بر آنان بخواند، و با اعمال صالح و اخلاق پاک، تزکیه‌شان کند، و کتاب و حکمت‌شان بیاموزد و

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۵

به همین منظور کتاب خدا و معارف دینش را به بهترین وجهی بر آنان و افرادی که به آنان ملحق می‌شوند، و نسل‌های بعد از آنان تحمیل کرد، و زنده‌شان داد از اینکه مثل یهود نباشند که خدای تعالی تو را بر آنان تحمیل کرد، (طباطبایی، همان، ج ۱۹: ۲۶۲)

پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه تزکیه با مزین شدن به اخلاق فاضله و رفتارهای نیک و تعلیم کتاب، در میان قوم خود و افرادی که پس از او می‌آیند را دارد و هیچ تفاوتی میان آیندگان و گذشتگان در وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان راهنمای زندگی آنان و پذیرش دستورات وی وجود ندارد.

بسیاری از مفسران، ذیل این آیه، حدیث معروفی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) این آیه را تلاوت فرمود، پرسیدند: اینها (لاحقان) کیانند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست خود را به شانه سلمان گذارد و فرمود: «لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ فِي الثَّرِيَا لَنَأْتَتْهُ رِجَالٌ مِّنْ هَؤُلَاءِ؛ اگر ایمان در ثریا باشد مردانی از اینها (ایرانیان) بدان دست می‌یابند». (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۳۰؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۹: ۴۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۷۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۳: ۲۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۰۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۵۰؛ ابن شاذان، ۱۴۱۲، ج ۶: ۵۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۳۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۲۰۹؛ عروسی حویزی، ۱۳۴۱، ج ۵: ۳۲۲)

بر اساس بیانات فوق علامه، مخاطبان بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همه جهانیان می‌باشد، این آیه نیز جاودانگی قرآن را می‌رساند؛ چراکه هدف قرآن در خصوص مخاطبان، همان هدف جهانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

۳- آیه اظهار

خدای متعال، در قرآن از چیرگی و غلبه اسلام بر دیگر ادیان خبر می‌دهد و می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر دینی غلبه گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید». (صف / ۹)

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۶

در این آیه، منظور از هدایت، دلایل روشن و براهین آشکاری است که در آیین اسلام وجود دارد و منظور از دین حق، همین آیینی است که اصول و فروعش حق بوده و بالاخره تاریخ و مدارک و اسناد و نتیجه و برداشت آن نیز حق است و بدون شک، آیینی که هم محتوای آن حق باشد و هم دلایل و مدارک و تاریخ آن روشن، باید سرانجام بر همه آیین‌ها پیروز گردد. (مکارم شیرازی، همان، ج ۷: ۳۷۰)

مرحوم طباطبایی، معتقد است که؛ کلمه «اظهار» وقتی در مورد چیزی علیه چیز دیگر استعمال شود، معنای غلبه می‌دهد. وقتی گفته می‌شود؛ دین اسلام را بر سایر ادیان اظهار می‌دهد، منظور این است که آن را بر سایر ادیان غلبه می‌دهد. از نظر ایشان، منظور از همه ادیان، همه روش‌های غیر خدایی است که در بین بشر پیموده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۲۵۵) این نشان می‌دهد که رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جهانی است.

تنها راه شناخت صدق انبیاء، معجزه آنهاست و چون نبوت پیامبران پیشین به دوران معین و محدودی اختصاص داشت، دوران معجزات آنان نیز کوتاه و محدود و تنها برای مردم آن دوران بوده است؛ زیرا عده‌ای از مردم آن دوران با مشاهده معجزه‌های موقت و محدود، توجیه می‌شدند و برای عده‌ی دیگر نیز به وسیله نقل پیامی و متواتر اذعان و یقین حاصل و حجت خدا بر آنان تمام می‌شد، ولی یک شریعت و نبوت جاویدان باید دارای معجزه جاوید باشد؛ زیرا معجزه اگر محدود و منحصر به یک زمان گردد، مردم زمان‌های آینده نمی‌توانند آن را با چشم خود درک نمایند و اخبار و نقل‌های متواتر نیز در اثر مرور زمان امکان دارد، از بین برود و یا لاقلاً در اثر عوامل مختلف تردیدهایی به وجود آید. در این صورت، برای مردم اعصار و زمان‌های آینده - که معجزه را نتوانسته‌اند ببینند، - حجت تمام نمی‌گردد، اذعان و یقین در دل آنان حاصل نمی‌شود. اگر خدا چنین افرادی را به تصدیق نمودن پیامبر و پذیرفتن شریعتش تکلیف کند، یک نوع تکلیف به محال محسوب می‌شود که از خدا صادر نمی‌گردد؛ به همین دلیل، نبوت جاودانی، معجزه‌ای جاودانه می‌خواهد که همیشه دلیل بر صدق

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۷

چنین نبوت گردد و خدا، قرآن مجید را به همین منظور نازل نموده که معجزه جاوید برای نبوت جاودانه خاتم پیامبران باشد، همان‌طور که حجت و دلیل بر گذشتگان بود، بر آیندگان نیز گواه و اتمام حجت باشد.

ب) دلایل روایی

علامه طباطبایی، علاوه بر آیاتی که بر جاودانگی قرآن استدلال فرموده‌اند، بر تعدادی از روایات نیز در رابطه با این موضوع اشاره کرده‌اند. هر چند برخی از این دلایل روایی را خود علامه در مقام استدلال برای اثبات جاودانگی قرآن مطرح نکرده، لکن لازمه آوردن این روایات و پای‌بندی به مضامین آن‌ها، حاکی از نظر علامه است. از این روی، برای استخراج دیدگاه علامه، ناگزیر از بررسی مطالب و نکاتی هستیم که در آثار ایشان به طور روشن یا بالملازمه بر اثبات جاودانگی قرآن دلالت دارد.

۱. نو بودن قرآن در هر زمان

یکی از ویژگی‌های اسلام، پویایی آن است و همین ویژگی، آن را جاودانه می‌کند. امام رضا (ع) در جواب شخصی که از او می‌پرسد؛ چرا قرآن با گذر زمان کهنه نمی‌شود و هر چه زمان بر او بگذرد تازه و نو بودن آن محفوظ می‌ماند، فرمود:

«لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرِمَّانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ برای این که خدا، قرآن را به زمان خاص و برای مردمی خاص نازل نکرده تا در زمان‌های دیگر و برای ملت‌های دیگر مفید نباشد، بلکه قرآن در هر زمان تازه و تا روز قیامت در نزد هر قومی شیرین است.» (طوسی، ۱۴۱۴:

۵۸۰ و ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۷ و ابن ابی فراس، بی‌تا، ج ۲: ۷۲)

علامه طباطبایی گرچه عین عبارت روایت را نقل نکرده، لکن در مقام نقل روایت فضیل بن یسار از تفسیر عیاشی «مِنْهُ مَا قَدْ مَضَىٰ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كَمَا جَاءَ مِنْهُ شَيْءٌ وَقَعَ» با تعبیراتی که حاوی کلمات حدیث یادشده

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۸

می‌باشد، آورده است: « لا تختص بحال دون حال و لازمان دون زمان و ما ذكره من فضيلة أو رذيلة أو شرعة من حكم عملي لا يتقيد بفرد دون فرد و لا عصر دون عصر لعموم التشريع. »، فرموده: «و در این معنا روایات دیگری نیز هست، و این خود سلیقه ائمه اهل بیت است، که همواره یک آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق با آن باشد تطبیق می‌کنند، هر چند که اصلاً ربطی به مورد نزول آیه نداشته باشد، عقل هم همین سلیقه و روش را صحیح می‌داند، برای اینکه قرآن به منظور هدایت همه انسان‌ها، در همه ادوار نازل شده، تا آنان را به سوی آنچه باید بدان معتقد باشند، و آنچه باید بدان متخلق گردند، و آنچه که باید عمل کنند، هدایت کند، چون معارف نظری قرآن مختص به یک عصر خاص، و یک حال مخصوص نیست، آنچه را قرآن فضیلت خوانده، در همه ادوار بشریت فضیلت است، و آنچه را رذیلت و ناپسند شمرده، همیشه ناپسند و زشت است، و آنچه را که از احکام عملی تشریح نموده، نه مخصوص به عصر نزول است، و نه به اشخاص آن عصر، بلکه تشریحی است عمومی و جهانی و ابدی. بنابراین، اگر می‌بینیم که در شأن نزول آیات، روایاتی آمده، که مثلاً می‌گویند: «فلان آیه بعد از فلان جریان نازل شد، و یا فلان آیات درباره فلان شخص یا فلان واقعه نازل شده، نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه، و آن شخص بدانیم، چون اگر این‌طور فکر کنیم، باید بعد از انقضای آن واقعه، و یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز ساقط شود، و حال آن‌که حکم آیه مطلق است، و وقتی برای حکم نامبرده تعلیل می‌آورد، علت آن را مطلق ذکر می‌کند.»

علامه طباطبایی می‌فرماید: «أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ مَبْعُوثًا إِلَى كَافِهِ الْبَشَرِ مِنْ غَيْرِ اِخْتِصَاصٍ دَعْوَتِهِ بِقَوْمٍ دُونَ قَوْمٍ، وَ لَابِمَكَانٍ دُونَ مَكَانٍ، وَ لَابِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ؛ پیامبر بر تمام بشر مبعوث گردیده بی آنکه دعوت آن حضرت، به قوم یا مکان و یا زمان ویژه‌ای اختصاص یابد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶۰)

پس در عمومیت نبوت و رسالتش در زمان حیاتش جای هیچ تردید نیست، سپس ادامه می‌دهد: «و به هر حال پس نبوت آن جناب عمومی بوده... خدا به رسول گرامیش

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۹

دستور داد تا بعد از قیام به اصل دعوت، نخست از عشیره و قوم خود آغاز کند... سپس آن جناب را دستور داده است که دعوتش را در تمامی دنیا و همه مردم (چه صاحبان ادیان و چه غیر آنان) توسعه دهد». (همان: ۱۶۱)

علامه، حدیث دیگری از اصول کافی در رابطه با تازگی قرآن در هر زمان در خصوص «تمسک به قرآن در هجوم فتنه‌ها» مطرح کرده است: (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷۲)

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي دَارِ هُدًى وَ أَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ وَ السَّيْرُ بِكُمْ سَرِيعٌ وَ قَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ يُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ فَأَعِدُّوا أَلْجِهَانَ لِتُعَدَّ الْمَجَازُ قَالَ فَقَامَ الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دَارُ الْهُدَى قَالَ دَارُ بَلَاغٍ وَ انْقِطَاعٍ فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ...؛ ای مردم شما در خانه‌ای هدنه (کوچ کردنی) قرار دارید و در مسیر مسافرتی هستید، مسافرتی بس سریع، و چگونه چنین باشد، با اینکه شب و روز و خورشید و ماه را می‌بینید که هر تازه‌ای را کهنه می‌کنند، و هر دوری را نزدیک می‌سازند، و هر آنچه را قبلاً وعده‌اش داده شده محقق می‌سازند. پس برای این سفر دور، توشه فراهم کنید. راوی می‌گوید: در این هنگام مقداد بن أسود برخاست و عرضه داشت: یا رسول الله خانه هدنه چه معنا دارد؟ فرمود: خانه‌ای که به محض رسیدن به آن باید از آن کوچ کرد. پس هر گاه در زندگی دچار فتنه‌هایی شدید، که چون شب تاریک پیشپای زندگیتان را ظلمانی کرد، بر شما باد تمسک به قرآن،» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۹۸)

بنابراین، اگر در قرآن رخدادهای عصر رسالت انعکاس یافته، افزون بر آن که قرآن درصدد ارائه راه حل در بحران‌های آن روز مسلمانان است، می‌خواهد جهانیان در تمام ادوار تاریخی از این رخدادهای درس بگیرند و گذشته خود را آینه خود دانسته و خود را در جای آدمیان خوب و بد بنشانند و از آن‌ها درس بگیرند. از طرف دیگر، اگر ظاهر این آیات، ناظر به رخدادهای خاصی است، اما روح و باطن آن‌ها همه رخدادهای

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۲۰

مشابه در همه ادوار و زمان‌ها را در بر می‌گیرد. به علاوه، چون خدای متعال، مصالح اساسی بشر را در نظر گرفته، با توجه به گرایش‌ها و کشش‌ها و فطریات تغییرناپذیر انسان‌ها دستوراتی را نازل کرده است. از آنجا که نیازهای اساسی و گرایش‌ها و فطریات انسان در تمام زمان‌ها یکسان است و تغییر نمی‌پذیرد، لذا دستورهای قرآن در تمام ادوار، جاودانه خواهد بود.

پس چنان نیست که کسی با دیدن این گروه از آیات مدعی باشد که قرآن صرفاً کتابی عربی است و تنها به عصر رسالت محدود می‌گردد، بلکه باید به جامعیت و جاودانگی آن اذعان داشت.

۲. روایات جری و تطبیق

علامه طباطبایی، به عنوان احیاگر اصطلاح جری و تطبیق در روزگار معاصر، به صورت پراکنده در باره این اصطلاح، نکاتی را یادآور شده و می‌نویسد: «جری و تطبیق، عبارت است از انطباق مفاد آیات بر مصادیقی غیر از آنچه که آیات بر آن نازل شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۳۴)

هچنین محققان پس از علامه، تحت تأثیر ایشان به این بحث پرداخته و کوشیده‌اند تا تعریف روشنی از این اصطلاح به دست دهند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۷)

برای این قاعده دلایل روایی زیادی وجود دارد که این روایات با ادبیات متفاوت، بیانگر جاودانگی قرآن و طراوت همیشگی آن از رهگذر قابلیت انطباق آیات بر مصداق نو پیدا است. برخی از این روایات که در تفسیر المیزان مورد استناد واقع شده است؛ از جمله، روایت امام باقر (علیه السلام) که فرمودند: «... مِنْهُ مَا قَدْ مَضَىٰ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كَمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأُمُوتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ؛ برخی از آن تأویل‌ها گذشته و برخی از آن‌ها فرا نرسیده، مانند جریان حرکت خورشید و ماه جاری است، همان گونه که تأویل قسمتی از آن، که

دلائل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۲۱

درباره‌ی مردگان بود، آمده، همان گونه تأویل قسمتی از آن در مورد زندگان است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹: ۹۸ و صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۶)

علامه در تحلیل این گونه احادیث فرموده‌اند: قرآن کریم از حیث انطباق معارف و آیاتش بر مصادیق و بیان حال مصادیقش دامنه‌ای وسیع دارد، پس هیچ آیه‌ای از قرآن اختصاص به مورد نزولش ندارد، بلکه با هر موردی که با مورد نزولش متحد باشد و همان ملاک را داشته باشد جریان می‌یابد، عیناً مانند مثل‌هایی است که اختصاص به اولین موردش ندارد، بلکه از آن عبور کرده و شامل تمام موارد مناسب آن مورد نیز می‌شود. سپس در ادامه، چهار نوع انطباق را بیان فرمودند: انطباق آیاتی که بر مومنان خطاب دارد بر همه‌ی طوایف مؤمن، انطباق آیات جهاد بر جهاد نفس، انطباق آیات منافقان بر فاسقان از مؤمنان و آخرین نوع انطباق از نظر ایشان، که از همه انواع انطباق دقیق‌تر است، انطباق همان آیات منافقین و مذنبین، بر اهل مراقبت و ذکر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۱۳)

اهل بیت (ع)، همواره یک آیه از قرآن را بر هر مورد قابل انطباق، تطبیق می‌کنند، هر چند که ارتباطی با مورد نزول آیه نداشته باشد، عقل هم همین روش را صحیح می‌داند، برای اینکه قرآن برای هدایت همه انسان‌ها، در همه ادوار نازل شده، تا آنان را به سوی آنچه باید بدان معتقد باشند و آنچه باید بدان متخلق گردند و آنچه که باید عمل کنند، هدایت کند؛ چون معارف نظری قرآن مختص به یک عصر خاص، و یک حال مخصوص نیست. (همان، ج ۱: ۴۲)

۳. حدیث ثقلین

یکی دیگر از روایاتی که علامه در تفسیر المیزان، در شأن و مقام قرآن مطرح کرده‌اند، حدیث «ثقلین» است؛ از نظر ایشان، اگر بنا بود قرآن کریم دستخوش تحریف شود و جاودانه نباشد، معنا نداشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردم را با این شدت تأکید کند که «تا ابد هر وقت به آن دو تمسک جوید گمراه نمی‌شوید». (همان، ج ۱۲: ۱۵۵)

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۲۲

این روایت از احادیث متواتر در میان شیعه و سنی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ؛ من در میان شما دو یادگار گرانسنگ بر جای می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترتم و آنان از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا زمانی که در حوض کوثر بر من وارد شوند». (نوری طبرسی، حسن، ۱۴۰۸، ج ۲: ۳۳۵ و طبری، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۵ و شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۷۶ و ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۲۲ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۴۸)

از میان اصحاب رسول خدا (ص)، ۴۴ نفر حدیث ثقلین را گزارش کرده‌اند (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۰۴). طبق این روایت، قرآن ثقل اکبر است و این نشان دهنده جایگاه بلند و مهم قرآن در میان امت اسلامی می‌باشد، این حدیث بر ضرورت تمسک بر قرآن دلالت می‌کند و با توجه به این که این روایت، تمام امت اسلامی تا قیامت را در بر می‌گیرد، دلیلی بر حقانیت و جاودانگی قرآن است، از طرف دیگر همراهی قرآن با عترت تا روز قیامت و جدا نشدن آن‌ها از یکدیگر تا هنگامی که در حوض کوثر بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شوند، بدین معناست که قرآن در سرتاسر حیات خویش اصالت و حقانیت خود را حفظ کرده و با وجود چنین ویژگی، کتابی جاویدان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۹۹-۹۸)

۴. روایات «هادی بودن» قرآن

چهارمین دسته از روایات که بر جاودانگی قرآن دلالت دارد و علامه آن را نقل کرده‌اند، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۳۴) روایاتی است که اشاره به هادی بودن قرآن دارد. از امام صادق (ع) روایت شده که از رسول خدا (ص) فرمود:

«الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ تَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ اسْتِغَاةٌ مِنَ الْعُرَّةِ وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ وَ عِصْمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ وَ بَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَ بَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ فِيهِ كَمَالٌ دِينِكُمْ وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ؛ قرآن، هدایتی است از تاریکی و ضلالت و روشنگر وادی جهالت و جبران کننده

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۲۳

لغزش‌ها، و از بین برنده تاریکی‌ها و سدی در برابر هلاکت‌ها و آگاهی دهنده‌ای از کج‌روی‌ها و بیان‌کننده فتنه‌ها و رساننده انسان‌ها از دنیا (در مسیری مستقیم) به سوی آخرت است. کمال دین شما در قرآن است و کسی از قرآن روی نگردانید جز اینکه روی به آتش نمود». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵)

بنابراین، کتابی می‌تواند هادی و راهنمای انسان باشد که دارای ویژگی‌هایی باشد که بتواند در هر زمانی با فتنه‌ها مقابله کرده و انسان را از پرتگاه سقوط نجات دهد و این ویژگی تنها مختص قرآن خواهد بود، زیرا کتابی همیشگی است.

۵. روایات بطن در قرآن

هیچ تردیدی وجود ندارد که آیات قرآنی دارای گستره‌ی معنایی بس وسیع می‌باشند؛ به گونه‌ای که دستیابی به تمامی آن‌ها میسر نمی‌باشد و روایاتی هم وجود دارد که به این ویژگی قرآن دلالت دارد و از این ویژگی قرآن، تعبیر «بطن و ظاهر» می‌شود. برخی از این روایات در تفسیر المیزان، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۸۷) جهت نشان دادن شأن و عظمت قرآن بیان شده است؛ البته تعداد این روایات در این کتاب شریف زیاد است، ولی به علت طولانی نشدن بحث، فقط یک مورد از آن‌ها را بررسی می‌کنیم. پیامبر (ع) می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَاً». (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۱۰۷)

علامه، پس از نقل روایات بطن در توضیح روایت عیاشی از فضیل بن یسار می‌گوید: «و این که فرمود: "بعضی از آن معانی رخ داده و بعضی بعداً رخ می‌دهد" ظهور در این دارد که ضمیر "منه" به قرآن برگردد، از این جهت که مشتمل بر تنزیل و تأویل است. بنابراین جمله "قرآن با گردش خورشید و ماه جریان دارد" نیز شامل تنزیل و تأویل هر دو می‌شود، و در مورد تنزیل با مسأله جری، منطبق می‌شود نظیر انطباقی که آیه شریفه: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" بر همه طوائف مؤمنین دارد، چه مؤمنین در عصر نزول آیه، و چه آن‌ها که در اعصار بعد می‌آیند، که این خود نوعی از انطباق است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷۴)

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۲۴

از مجموع مباحث روشن می‌شود، که قرآن کریم دارای چنان ظرفیتی است که توان پاسخگویی به پرسش‌های مرتبط با حوزه دین را در هر زمانی داراست. این ویژگی در قرآن، می‌تواند سبب جاودانگی آن تلقی شود و فهم و برداشت‌های جدید از آن را تا همیشه استمرار و دوام بخشد.

نتیجه

دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی با استناد به آیات قرآن در سه دسته - که دسته اول با عنوان آیات جاودانگی قرآن؛ شامل آیات حفظ، عزت، تحدی، تدبر، و تبیان، دسته دوم با عنوان آیات جاودانگی دعوت؛ مشتمل بر آیات انذار، هدایت، تذکر و شمولیت خطاب‌های قرآنی، و دسته سوم با عنوان جاودانگی رسالت پیامبر شامل آیات بعثت و اظهار دین اسلام بر سایر ادیان - بر جاودانگی قرآن کریم استدلال کرده است. علامه طباطبایی، با استناد به روایات در پنج مورد، شامل نو بودن قرآن در هر زمان، روایات جری و تطبیق، حدیث ثقلین، روایات هادی بودن قرآن و روایات بطن، بر جاودانگی و همیشگی قرآن استدلال کرده است.

بر این اساس، از آنجا که خطابات قرآن مقید به عرب نیست، پس قرآن در مطالب خود اختصاص به امتی از امت‌ها ندارد و کتابی مشتمل بر جهان بینی و اصول عملی کاملی می‌باشد و هرگاه قرآن حاوی سخن کامل و تام در باب جهان بینی و اصول عملی باشد قطعاً مقید به زمان خاصی نیست و همیشگی خواهد بود. از طرفی، خداوند خود حافظ این کتاب بوده و اجازه نمی‌دهد کوچکترین خدشه‌ای به قرآن وارد شود و این، همان نشانه همیشگی بودن قرآن است. این کتاب آسمانی، در دلالت خود ویژگی جری و تطبیق را نیز دارد و رمز جاودانگی قرآن نیز به واسطه همین وصف آن است. بدین معنی که قرآن کتابی است همگانی و همیشگی که در غایب، مانند حاضر، جاری می‌باشد و به آینده و گذشته، مانند حال، منطبق می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم، با ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ ق)، کمال الدین و تمام النعمه، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۲. _____، (۱۴۰۴)، عیون اخبار الرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۳. ابن ابی فراس، ورام، بی تا، مجموعه ورام، قم: انتشارات مکتبه الفقیه. چاپ اول.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی جا: بی نا. بی تا.
۵. احسائی، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللالی، قم: انتشارات سیدالشهداء، چاپ اول.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ ش)، نزهت قرآن از تحریف، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۷. _____، (۱۳۸۸ ق)، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم.
۸. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتاب العربی، چاپ سوم.
۹. سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۶ ش)، بسط تجربه نبوی، مجله کیان، ش ۳۹، دوره هفتم.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ ق)، الدرّ المثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۱۱. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۳. _____، (۱۳۷۳ ش)، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۲۶

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰ش)، مجمع البیان، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ چهارم.
۱۵. _____، (۱۳۷۷ش)، جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، الغیبه، قم: انتشارات موسسه معارف اسلامی.
۱۷. _____، (۱۴۱۴)، امالی، قم: دارالثقافه، چاپ اول.
۱۸. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر صافی، تهران: انتشارات صدر، چاپ اول.
۱۹. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۰ش)، قرآن شناسی، قم: انتشارات موسسه امام خمینی، چاپ دوم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، (۱۳۸۵ش)، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و پنجم.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: نشر کنگره شیخ مفید.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۳)، دانشنامه امام مهدی (ع)، قم: دارالحديث، چاپ اول.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، به تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. علیانسیب، سید ضیاء الدین، اصلانی، فیروز (۱۳۹۱)، جاودانگی قرآن از دیدگاه قرآن و روایات، (۱۳۹۱)، قم، انتشارات وثوق.
۲۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۳۴۱ق)، نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.

دلائل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی ۲۷

۲۷. عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر عیاشی، تهران: علمیه تهران.

۲۸. نصیری، علی، (۱۳۹۰)، راز جاودانگی قرآن، قم: انتشارات وحی و خرد،

چاپ اول

۲۹. نعمانی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۷۹) الغیبه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران،

صدوق،

۳۰. نوری طبرسی، حسن، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط الوسائل، قم:

موسسه آل البیت.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی